



حدی مشخص اند، ازمان کمال الملک و گمشید مشایخی گرفته تا نقش‌های
تی طنز مثُل کافه‌دار سریال ساختمان پژوهشگان که شال دورگردان و کلاه کجش از
بیت ترین فاکتورهای بود که روحیه هنری او را می‌رساند. در همان سریال هم یکی
از شخصیت‌های نقاشی بود که درآمد خاصی نداشت اما مصراوه‌گاریش را داده‌است.

هستند و گروه دیگر هم که کمی از واقعیت دورنده مدام مشغول کار برای دل بیدشان هستند اما با عنوان بینندۀ آخر هم نمی فهمیم از کجا درآمد دارند. نمونه میرایین داستان در سریال بوم و بانو به تصویر کشیده شد و نمونه های مختلف گنگی هم در این فضای وجود دارد. اما به طور کلی تیپ های هنری هم در سریال ها

مودالزم: شال بلند دورگردن، لباس گشاد، عینک گرد باشیشههای رنگی، موهای بلند یا کلاه کج و... هنرمندان سریال‌ها از عکاس و نویسنده گرفته تا مجسمه‌ساز و سفالگر که اغلب از همین گروه‌ها هستند، در تلویزیون خیلی وقت‌ها به دوشکل نشان داده می‌شوند. یک گروه، مدام به دنبال دیده شدن آکاره و به نتیجه رساندن

هنری‌ها

A group of people are gathered around a low table covered with a patterned cloth, engaged in a traditional tea ceremony. The table is set with various items, including a teapot, cups, and small bowls. The participants are dressed in traditional attire, and the setting appears to be a traditional Iranian home or a similar cultural environment.

از خواستگاری تا ازدواج



رنگی است که یک گوشه کار شده و جالب این که با وجود به روز شدن این مراسم و تالارهایی که برای این موضوع در نظر گرفته می‌شود، هنوز در قصه‌ها عروسی در باغ با حیاط خانه‌ها برگزار می‌شود و در این فضای چراغ‌گازی هم حرف اول را بعد از رسیه‌ها می‌زند. همه این موارد اگر در کار کمدی باشد به مقدار طنز بیشتر و در آثار ملودرام هم با فضای جدی تر به همراه شوخی‌هایی اجرا می‌شود.

خواستگاری با جمله‌های همیشگی که پای ثابت ماجراست. در کنار اینها آوردن چای و نگاه‌های یواشکی هم بخش دیگری از این مراسم هستند که قدیمترها اغلب با ریختن چای روی پای داماد همراه بود اما حالا به آوردن چای به شکل آبرومندانه محدود شده است. در بخش مراسم عروسی هم اولین چیزی که هنوز هم دوربین روی آن فوکوس می‌کند، رسیه‌ها یا چراغ‌های

خشم‌های همیشگی

موضوع و بروز آن وجود دارد. شکستن آینه یا آب ریختن روی آینه در حالی که بازیگر را بغض و خشم به آن خیره شده، یکی از این موارد است. در ادامه هم می‌شود به مشت‌های کره کردگی که اغلب در دیوار فروdest می‌آید، اشاره کرد. جریانی که برای همه ما آشناسنده و در خلیل ارسیریال‌ها آن را دیده‌ایم، مثل همین تارگی‌هاوس سریال یاور یا بچه مهندس.

مواد لازم: شکستن آینه، دوش یا بردن سر زیرشیر آب، مشت محکم، دیوار و ...

قصه عصیانیت و خشمی که آدم‌ها هم در واقعیت و هم در سریال‌ها با آن روبرو می‌شوند جزو موضوعاتی است که نمود بیرونی مختلفی دارد اما در سریال‌ها غالب چند المان ثابت برای این

- در این میان جا دارد مروری هم بر دیالوگ های تکراری داشته باشیم که خودشان به یکی از عناصر کلیشه ای و قابل پیش بینی سریال های وطنی تبدیل شده اند.
- خه خبه! پدر دختری خوب خلوت کردید!
- هر کسی یه قیمتی داره.
- همه چیزو می شه با پول خرید.
- یعنی کی می تونه باشه این وقت شب؟!
- خب بربین سراسر اصل مطلب.

▪ دیالوگ های آشنا

- جناب رئیس من بهشون گفتم شما جلسه دارید، اما... / اشکالی نداره، بیان داخل.
- این شهری در پیکر / این شهر پرگره.
- همون همیشگی لطفا
- پول خوشبختی نمیراه!
- خدایا! چرا من؟ چرا اینجا؟
- برو توی اتفاق از شام هم خبری نیست!
- بدیهه استاره سهیل شدی، توی آسمونا دنبالت می گشتم، روی زمین پیدات کدم!
- سکوت رو رعایت کنید! اینجا مثلاً بیمارستانه!
- تو اینجا چی کار می کنی؟!

بازاری‌ها



مواد لازم: تسبیح، انگشت‌ترعیقیق، کلاه، پالتوی بلند و...
یکی از تیپ‌هایی که در کارهای مختلف سراغش می‌روند، بازاری‌ها هستند. این افراد هم مثل همه آدم‌ها به دوگروه بازاری‌های پاک دست و بازاری‌های مکار و طمع‌کار تقسیم می‌شوند؛ دوگروهی که اغلب در یک فضای باهم تقابل دارند و در گیر می‌شوند. در مورد گروه اول یعنی پاک دست‌ها علاوه بر انگشت‌تر و تسبیح که در هر دو مورد وجود دارد، سیستم حساب و کتاب خیلی وقت‌ها با چرتکه پیش می‌رود اما در گروه دوم وجود رایانه روی میز آنها مثل یک المان برای این موضوع تبدیل شده است. در واقع رایانه‌ی چرتکه با رایانه یکی از وجوده تمایز این قضیه است.
علاوه بر اینها در مورد بازاری‌های طعمان در سریال‌های تازه‌تر خیلی وقت‌ها دستمال گردیدن در طراحی لباس‌شان استفاده می‌شود. همچنین وجود کینه قدیمی بین این دوگروه هم بخش اصلی قصه است. نمونه‌های این ماجرا را می‌شود در سریال «باور»، «برادر»، «استایش» و... دید.

رتلوازیبیون خودمان، هرچند نسبت به گذشته روایت قصه‌های کلیشه‌ای و شخصیت‌های تکرار شده کمتر شده است و نمی‌شود مسته بندی قطعی برای آن ارائه کرد. ولی همچنان می‌توان آیتم‌هایی را به عنوان پر تکرارترین هادر سریال‌های ایرانی در نظر گرفت که خوب است از آنها هم عبور کرد و غافلگیری‌های بیشتری برای مخاطبان ترتیب داد تا اگر اثری کمدی است، خنده بر لب تماشاگرانش بیاورد و اگر به تواناده اورایی‌شتر با بحران‌های ایجاد شده در گیر و یا غیرقابل پیش‌بینی کردن اثر هیجان بیشتری راهم در کشف پیچ و خم‌های قصه و شخصیت‌های مخاطبان تزریق کند. در اینجا نگاهی به برخی موقعیت‌ها و شخصیت‌های مشابه در سریال‌ها انداده ایم و از مواد لازم اداء، تعبیه اپ. فضاهای گفتگو.

مان همیشگی

فاقت

مودالزم: ترکیب شنگول و ملول
میان شخصیت ها و روابط کلیشه
تلوزیریونی مان زیاد دیده ایم، بارها شا
که از همان ابتدا تکلیف مخاطب با ج
بازیگرانی که ایفاگر نقش این رفقا ه
معمولا یک شخصت آرام، منطقی
کنار خود دارد که نقطه مقابل او س
نمی روید، سرزنشه است و البته تصمی
یک درست از آب در نمی آید. همان ک
یک آدم شاد و شنگول با رفیق

پلیس‌ها و امنیتی‌ها



مواد لازم: گاهی مجرد بودن، ته ریش، چهره بیش از حد جدی و گاهی بیش از حد مهربانی. یک همسرشاکی و...
پلیس ها و ماموران امنیتی جزو شخصیت های هستند که به خصوص در مجموعه های اخیر تلویزیونی خیلی مورد توجه قرار گرفته اند. البته این موردی که از آن می گوییم درباره همه پلیس هایی که دیده اید، صدق نمی کند اما در چند مورد که هر کدام جزو نقش های اصلی ماجرا بوده اند، چنین مواردی را می بینید. کدام موارد؟ یکی زندگی تنهایی است، خیلی از پلیس ها و امنیتی ها در سریال های این همسرشان کنارشان نیست یا درگذشته یا مجرد هستند. مثل امین زنگانی در رخدانه امن یا امیر آقایی در سریال نواز زرد و قبل از اینها فرهاد اصلانی در سریال وفا و... در کنار این گروه اگر پلیس ها متاهل و همچنین از امنیتی ها باشند، همیشه همسری که جایی صبریش لبریز می شود و مدام با دیالوگ معروف تو هیچ وقت نیست، شکایتش را اعلام می کند حضور دارد. مثل همسر سرگرد جلالی با بازی دانیال حکیمی در سریال خواب و بیداری یا کمند امیرسلیمانی در سریال هوش سیاه که نقش همسرش را حسین یاری بازی می کرد.
در کنار ویژگی خانواده این شخصیت ها، از نظر ظاهری هم در قریب به اتفاق آنها، ته ریش جزو مواد همیشگی است. در حوزه برخورد هم اغلب جدیت اغراق آمیز با حالت تفکری که همیشه با آنها همراه است، وجود دارد البته این وجهه کاری آنهاست و در خانواده خیلی وقت ها آنها را در عین پرمبالغه بودن، جدی اما مهربان می بینیم به شکل که ابهت شان هم تا حدی حفظ شود.

هم دارند و کارشناس را به شکلی با زبان باز پیش می بردند. در ادامه کوله‌پشتی آن هم ترجیحاً از نوع کمی بزرگش یکی از ارکان اصلی این شخصیت است که اصلاب دون آن انگار چیزی کم است. البته نمونه این شخصیت را کمتر در سریال‌ها می بینیم یا گاهی هم بینیم در نهایت با تحول عمقی او به شکل داستان‌های کلید اسرار روبه روی شویم. یکی از نقش‌های قدریمی این ماجرا را عاطفه نسوزی یا همان روناک در دوران سرکشی ایفا کرده. نمونه‌های مختصر یا کوتاه این داستان را هم در سریال‌های دیگری مثل مادرانه می توانید ببینید.

دخته فاری

مودال‌زم: یک جفت کتانی، کوله بزرگ، در مردم این شخصیت و در کل، کاراکتر مثبت و دختر خوب خانواده باشد، نگاه اول به چشم می‌آید، یکی از این شخصیت است. این شخص ندارند، یعنی با خیلی شوخ، سخیلی جدی و بی اعصاب هستند

